

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و یکم

بهار ۱۳۹۹

### کاوشی در نخستین محل سکونت مسلم بن عقیل در کوفه

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱۲

تاریخ تأیید: ۹۹/۱/۱۰

حسین قاضی خانی<sup>۱</sup>

آگاهی از رویدادهای بازه زمانی حضور مسلم بن عقیل در کوفه به عنوان سفیر امام حسین علیه السلام، نقشی مهم در فهم چرایی عدم همراهی کوفیان با امام حسین علیه السلام دارد. موضوع سکونت مسلم در منزل مختار ثقفی با وجود شهرتی که دارد و در آثار گوناگون بازتاب یافته است با ابهام روبه‌رو است. مقاله پیش‌رو با روش استقرا و خوانش دوباره داده‌های تاریخی منابع کهن، چهار گزارش سکونت مسلم در منزل مختار، منزل هانی بن عروة، منزل شریک بن اعور و منزل مسلم بن عوسجه را شناسایی کرده است و سپس بر اساس ارزیابی میزان هم‌راستایی آنها با دیگر اطلاعات تاریخی و سازگاری با فضای کالبدی شهر کوفه به اعتبارسنجی آنها پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف رأی مشهور، اقامت مسلم بن عقیل در منزل مسلم بن عوسجه پذیرفتنی‌تر است.

کلیدواژگان: نهضت عاشورا، مسلم بن عقیل، کوفه، مسلم بن عوسجه، مختار ثقفی.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: (H.qazikhani@isca.ac.ir).

## ۱. مقدمه

در پی نگارش نامه‌های کوفیان به امام حسین علیه السلام (د. ۶۱ ق) و دعوت از ایشان برای آمدن به کوفه، امام علیه السلام عموزاده خویش، مسلم بن عقیل (د. ۶۰ ق) را برای ارزیابی آنچه کوفیان نوشته بودند، راهی این شهر کرد. بر اساس گزارش منابع کهن مانند تاریخ طبری، امام علیه السلام در پاسخ به مکتوب‌های کوفیان در نامه‌ای به ایشان فرمودند:

تمام ماجرا و آنچه را بازگو کرده بودید، دانستم و سخن همگی شما این بود که ما را پیشوایی نیست. نزد ما بیا. شاید خداوند به واسطه تو، ما را بر محور حق و راستی متحد گرداند. همانا! برادر و پسرعمو و فرد مورد اعتماد را از خاندانم به سوی شما فرستادم و به او دستور دادم شرح احوال و آرا و مسائل شما را برایم بنویسد. اگر برایم نوشت که رأی بیشترین شما و نخبگان و خردمندان شما آن‌گونه است که فرستادگان شما بازگو کردند و در نامه‌ها خواندم، به زودی به سوی شما می‌آیم.<sup>۱</sup>

این محتوا با اندک تغییراتی در گزارش دینوری (د. ۲۸۲ ق)،<sup>۲</sup> ابن‌اعثم (د. ۳۱۴ ق)<sup>۳</sup> و شیخ مفید (د. ۴۱۳ ق)<sup>۴</sup> دیده می‌شود. مسلم در نیمه ماه رمضان<sup>۵</sup> به جهت آگاهی نیافتن بنی‌امیه و هواداران ایشان از حرکت او، به صورت مخفیانه<sup>۶</sup> از مکه خارج شد. به دلیل آن که که مدینه در مسیر قرار داشت، مسلم به جانب مدینه راه کج کرد و پس از دیدار و

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۳.

۲. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۰.

۳. ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۳۰.

۴. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۹.

۵. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۵۴.

۶. ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۳۲.

وداع با اهل بیت خود با استخدام دو بلد راه به سوی کوفه روان شد<sup>۱</sup> و در پنجم ماه شوال به کوفه رسید.<sup>۲</sup> مسلم در منزل یکی از سران شیعه در کوفه ساکن شد. خبر ورود مسلم، پیروان امام را به نزد وی کشانید و آنان، گروه گروه در نزد مسلم حاضر شدند.<sup>۳</sup>

پرسشی که در این بازه زمانی، ذهن را به خود مشغول می‌سازد و این جستار به دنبال پاسخ‌گویی به آن است، این است که سکونت‌گاه مسلم در کوفه در خانه چه شخصیتی بوده است؟ به نظر می‌رسد، پاسخ به این پرسش می‌تواند در راستای پاسخ‌گویی به برخی پرسش‌های مرتبط با حضور مسلم در کوفه مفید باشد. اول آن که با توجه به مأموریت پنهانی مسلم، این سکونت‌گاه در چه موقعیت جغرافیایی قرار داشته است؟ و در هنگام ورود، مسلم چگونه توانسته است بی‌آن که مورد شناسایی قرار گیرد خود را به سکونت‌گاه رسانیده باشد؟

نکته دوم، تأثیر سکونت‌گاه مسلم در مناسبات نیروهای هوادار امام است. منزل‌گاه مسلم، مرکز سامان‌دهی فعالیت‌های پیروان امام گردیده بود، اما با آن که همه فعالیت‌ها به این منزل‌گاه ختم می‌شد، نام برخی از سران شیعه که امام را به کوفه دعوت کرده بودند در حوادث زمان حضور مسلم در کوفه به چشم نمی‌آید؟ و این ابهامی است که پاسخ روشنی برای آن ارائه نگردیده است. نکته سوم آن است که با ورود عبیدالله بن زیاد (د. ۶۷ق) تغییر سکونت‌گاه مسلم چگونه بوده است تا از دسترس جاسوسان حکومتی در این انتقال در امان بماند؟

۱. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۰؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۳.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۵۴؛ ابن‌خلدون از ورود مسلم به کوفه در اول ذی‌الحجه خبر می‌دهد که با دیگر داده‌های تاریخی و حوادث روی داده بر مسلم در کوفه هم‌خوانی ندارد (ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۳، ص ۲۸).

۳. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۵؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۱.

در جست‌وجوی‌هایی که انجام گرفت، اثری مستقل درباره این مسئله یافت نگردید و تنها برخی آثار به هنگام بیان آنچه در کوفه بر مسلم گذشته است به سکونت‌گاه وی پرداخته‌اند. محمدرضا هدایت‌پناه در اثر خویش با عنوان *بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا* در بخشی که به بررسی قیام مسلم در کوفه اختصاص یافته است از سکونت‌گاه مسلم در کوفه به عنوان یکی از حلقه‌های مفقود حرکت وی یاد می‌کند. ایشان با بیان شواهدی، گزارش مشهور درباره سکونت مسلم در خانه مختار را نیازمند نقد و بررسی بیشتر می‌داند.<sup>۱</sup> با این حال، تلاشی برای حل این مسئله در این کتاب مشاهده نمی‌گردد. سخن از ساکن شدن مسلم در منزل مختار بن ابی‌عبیده ثقفی (د. ۶۷ق) در آثار مرتبط با نهضت عاشورا چنان است که این امر حتمی دانسته می‌شود.<sup>۲</sup> بنابراین در هنگام طرح پرسش‌ها یا شبهه‌هایی درباره آن، به گونه‌ای با آن روبه‌رو می‌شوند که گویی امکان خدشه در اصل دیدگاه امری بر تافتنی نیست. به عنوان نمونه، هاشم معروف الحسنی (د. ۱۴۰۴ق) در کتاب *جنبش‌های شیعی در تاریخ اسلام* به هنگام بیان حرکت مختار و در راستای ترسیم ارتباط او با جریان تشیع می‌نویسد:

مسلم جهت اقامت در کوفه به خانه مختار رفت. در میان کوفیان کسانی بودند که از مختار نیرومندتر و خانه آن‌ها امن‌تر بود زیرا به عشایری که از نظر شماره و تجهیزات نیرومند بودند انتساب داشتند و مختار هم از کسانی نبود که به امام نامه نوشته باشد. باین حال چرا مسلم خانه مختار را بر خانه اینان ترجیح داد و آن را برگزید؟ برخی سبب این انتخاب را روابط مودت‌آمیز و دوستی دیرینه‌ای دانسته‌اند که از زمان کودکی میان مسلم و مختار وجود داشته است.

۱. هدایت‌پناه، *بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا*، ص ۱۲۵-۱۲۸.

۲. طبرسی، *أعلام الوری*، ص ۲۲۳؛ ابن طاوس، *اللهوف*، ص ۳۷؛ شهیدی، *قیام حسین علیه السلام*، ص ۱۶۲؛ جعفریان، *تأملی در نهضت عاشورا*، ص ۱۶۶.

همچنین تشییع مختار و محبت شدید او را نسبت به اهل بیت علیهم السلام از اسباب این انتخاب شمرده‌اند. علاوه بر این مختار داماد نعمان بن بشیر حاکم کوفه بوده است و این امر سبب می‌شده است که تا هنگامی که مسلم در خانه داماد حاکم است از سوی او در امان باشد، اما اعتقاد من این است که انگیزه اصلی مسلم در این انتخاب دوستی شدید مختار نسبت به علویان و تلاش او در راه انتقال قدرت به آنان بوده است، اما دوستی و مودت دیرین آنها از زمان کودکی که خرطوبولی (صاحب کتاب *حیة المختار*) ادعا کرده است در هیچ‌یک از نگاهشده‌ها بدان اشاره‌ای نشده است. علاوه بر فاصله زیاد سنی، فرزند عقیل در حجاز و پسر ابو عبیده ثقفی در عراق زندگی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

در سخنان هاشم معروف و نقل او از کتاب علی خرطوبولی به وضوح آشکار است که ورود مسلم به خانه مختار، امری حتمی پذیرفته شده است و این دو تلاش می‌کنند، چگونگی این امر را با وجود عدم نام مختار در ردیف نامه‌نگاران به امام حسین علیه السلام توجیه نمایند. در این میان، هدایت‌پناه گامی به جلو می‌نهد و در این باره می‌نویسد:

هنوز برای ما انتخاب خانه مختار از سوی مسلم روشن نیست.

او پس از نقل سخنان هاشم معروف حسنی از امکان سود جستن مسلم از نزدیکی خانه مختار به دارالعماره یاد می‌کند، اما در ادامه با بیان احتمال آشکار شدن فعالیت‌های مسلم به وسیله ام‌ثابت دختر سمرة بن جندب، همسر مختار یا جاسوسان اموی به سبب نزدیکی خانه به دارالعماره، اعتبار این گزینه را مخدوش می‌سازد.<sup>۲</sup> حاصل سخنان ایشان آن است که سکونت گزیدن مسلم در خانه مختار نیازمند بررسی بیشتر است.

۱. حسنی، جنبش‌های شیعی در تاریخ اسلام، ص ۵۵۵-۵۵۷.

۲. هدایت‌پناه، بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا، ص ۱۲۶-۱۲۷.

در این میان، پرسش آن است که آیا خانه مختار تنها گزینه‌ای است که در منابع سخن از سکونت گرفتن مسلم در آن به میان آمده است؟ یا با جست‌وجو، گزارش‌های دیگری می‌توان یافت که ادعایی جز این در آنها مطرح شده باشد؟

## ۲. دیرین نگاشته‌ها و سکونت گاه مسلم

در بررسی داده‌های منابع کهن در مسئله سکونت مسلم در کوفه چهار گونه گزارش قابل رصد است.

### ۲-۱. سکونت در منزل مختار بن ابی‌عبیده ثقفی

گونه اول از داده‌ها حکایت از آن دارند که مسلم در خانه مختار سکنا گرفته است. در میان کتاب‌های کهن در آثار دینوری،<sup>۱</sup> بلاذری (د. ۲۷۹ق)،<sup>۲</sup> طبری (د. ۳۱۰ق)،<sup>۳</sup> ابن‌حبان (د. ۳۵۴ق)،<sup>۴</sup> شیخ مفید<sup>۵</sup> و ابن‌اعثم<sup>۶</sup> درباره ورود مسلم به خانه مختار سخن گفته شده است.

### ۲-۲. سکونت در منزل هانی بن عروه

بخش دیگری از داده‌ها درباره سکونت مسلم در خانه هانی بن عروه (د. ۶۰ق) سخن می‌گویند. گزارش‌هایی از ابن‌سعد (د. ۲۳۰ق)<sup>۷</sup> و بلاذری<sup>۸</sup> حکایت‌گر آن هستند که مسلم در خانه هانی فرود آمده است.

۱. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۱.

۲. بلاذری، کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۳۴.

۳. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۵.

۴. ابن‌حبان، السیرة النبویة و اخبار الخلفاء، ج ۲، ص ۵۵۶.

۵. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۱.

۶. ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۳۳.

۷. ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۳۱.

۸. بلاذری، کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۲۲.

## ۲-۳. سکونت در منزل مسلم ابن عوسجة

در سومین گونه از داده‌ها آمده است که مسلم در خانه مسلم ابن عوسجة (د. ۶۱ ق) منزل گرفت. آثار طبری<sup>۱</sup> و مسعودی (د. ۳۴۶ ق)<sup>۲</sup> این نوع گزارش‌ها را در خود دارند. ضمن آن که یحیی بن حسین شجری (د. ۴۷۹ یا ۴۹۹ ق)<sup>۳</sup>، سبط بن جوزی (د. ۶۵۴ ق)<sup>۴</sup>، ذهبی (د. ۷۴۸ ق)<sup>۵</sup> و ابن کثیر (د. ۷۷۴ ق)<sup>۶</sup> از صاحبان آثار در قرون پسین به بازنگاری این گونه از داده‌ها می‌پردازند.

## ۲-۴. سکونت در منزل شریک بن اعور

شجری در این باره آورده است که مسلم به هنگام ورود در کوفه بر شریک بن اعور (د. ۶۰ ق) وارد شده است.<sup>۷</sup> آنچه از جست‌وجو و گونه‌بندی داده‌های مرتبط با سکونت‌گاه مسلم در کوفه به دست می‌آید این است که در دیرین نگاشته‌های تاریخی، آرای متفاوتی درباره این مسئله مطرح شده است. به صورتی که تعدد و اعتبار منابع، حداقل در سه گونه نخست چنان است که نمی‌توان بدون بررسی و تحلیل روش‌مند، گونه‌ای را بر دیگر گونه‌ها برتری داد.

ضمن آن که افرادی، مانند طبری و بلاذری با نقل دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهند که در آن روزگاران، سخن از برتری یک گونه بر دیگر گونه‌ها نبوده است و در سده‌های

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۴۷.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۵۴.

۳. شجری، الأملی الخمیسیة، ج ۱، ص ۱۹۰.

۴. سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۲۱۸.

۵. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۶.

۶. ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۸، ص ۱۵۲.

۷. شجری، الأملی الخمیسیة، ج ۱، ص ۱۶۷.

میانی، باز نگارش آرای مختلف در آثار نمود داشته است، اما در سده‌های اخیر به دلیل تمرکز بر باور حضور در منزل مختار، این نقل به تنها رأی موجود تبدیل گردیده است.

### ۳. تبیین تاریخی سکونت گاه مسلم در کوفه

در راستای دست یابی به رأی برگزیده در این موضوع، تبیین تاریخی یاری رسان حل مسئله خواهد بود. در تبیین تاریخی، گزارش‌های موجود درباره منزل گاه مسلم در ارتباط با دیگر اطلاعات ارزش‌یابی می‌گردند. اطلاعاتی که می‌توانند برآمده از رویدادهای تاریخی هم‌زمان با حضور مسلم در کوفه یا برآمده از داده‌های جغرافیایی کالبد شهری کوفه باشند. اطلاعات دارای ارزش سنجش در این مسئله را می‌توان در محورهای مختلفی بررسی کرد.

#### ۳-۱. اطلاعات برآمده از داده‌های تاریخی

به دلیل آن که حضور مسلم در کوفه، یک رویداد قلمداد می‌گردد، بنابراین در یک بستر تاریخی صورت گرفته است. باید دقت شود که نمی‌توان درباره یک بخش از واقعه، بدون توجه به بخش‌های دیگر آن سخن گفت و لازم است تا اجزای مختلف رویداد در پیوستگی با یکدیگر نگریسته شوند. با توجه به این امر می‌توان گفت که داده‌های مختلف یک رویداد باید در ترسیم چگونگی روی دادن واقعه یاری‌رسان هم باشند و به نوعی یکدیگر را تأیید کنند.

#### ۳-۲. جایگاه مسئله پنهان‌کاری در مأموریت مسلم

داده‌های تاریخی بر آن هستند که رعایت جوانب احتیاط و پنهان ماندن از جاسوسان دستگاه خلافت امری است که مسلم در مراحل مختلف مأموریت خود به آن مأمور و پای‌بند بوده است. طبری و شیخ مفید در این باره می‌نویسند:

امام حسین علیه السلام به هنگام فرستادن مسلم به کوفه، او را به تقوای الهی و



کتمان امرش سفارش کرد.<sup>۱</sup>

هم چنین، ابن اعثم در گزارشی درباره چگونگی خروج مسلم از مکه می‌نویسد:  
مسلم پنهانی از مکه به سوی مدینه به راه افتاد تا افراد بنی‌امیه بر حال وی  
آگاه نگردند.<sup>۲</sup>

در ارتباط با چگونگی ورود مسلم به کوفه، ابن سعد ورود مسلم به کوفه را به صورت  
ناشناس و پنهانی گزارش می‌کند.<sup>۳</sup> مسعودی در این باره می‌نویسد:  
مسلم پنهانی به خانه مردی عوسجه نام فرود آمد.<sup>۴</sup>

بر اساس گزارش قاضی نعمان (د. ۳۶۳ ق)، بیعت شیعیان کوفه با مسلم با رعایت  
شرایط اختفا و استتار صورت پذیرفته است.<sup>۵</sup> شیخ مفید در این باره می‌نویسد:  
شیعیان به نزد مسلم بن عقیل فراوان رفت و آمد داشتند تا این‌که جای او  
دانسته شد.<sup>۶</sup>

از این گزارش مشخص می‌شود که فعالیت‌های مسلم در کوفه به صورت پنهان بوده  
است. هم چنین از سخنان نعمان بن بشیر (د. ۶۵ ق) حاکم وقت کوفه در پی آگاهی از  
فعالیت‌های پنهان مسلم و شیعیان در کوفه می‌توان برداشت کرد که برنامه‌های دیدار  
مسلم با شیعیان و اقدامات او با رعایت جوانب پنهان کاری بوده است. نعمان پس از خبر  
یافتن از حضور مسلم در کوفه، مردم را به مسجد خواند و گفت:  
من با کسی که به جنگم نیاید نمی‌جنگم و به کسی که به من حمله نیاورد

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۴؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۹.

۲. ابن اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۳۲.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱۰، ص ۴۵۸.

۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۵۴.

۵. قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۱۴۳.

۶. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۱.

حمله نمی‌کنم. به شما ناسزا نمی‌گوییم، تحریکتان نمی‌کنم، به سعایت و گمان و تهمت اعتبار نمی‌نهم، ولی اگر باطنتان را بنمایانید و بیعت خویش را بگسلانید و با پیشوای خود مخالفت کنید تا وقتی دسته شمشیر به کفم باشد با آن به شما ضربه می‌زنم.<sup>۱</sup>

آنچه این داده‌ها بر آن اتفاق دارند و در محتوا بر آن هم‌داستان هستند، آن است که ورود و حضور مسلم در کوفه و فعالیت‌های او به جهت در امان ماندن از نگاه جاسوسان و طرفداران خلافت اموی بر طبق رعایت جانب احتیاط و اصل پنهان‌کاری بوده است.

### ۳-۲-۱. انتقال از سکونت‌گاه اولیه به منزل هانی بن عروه

داده‌های تاریخی بر آن هستند که در پی ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه، مسلم منزل‌گاه خود را تغییر داد. در پی برکناری نعمان بن بشیر، یزید حکم والی‌گری کوفه را به نام عبیدالله بن زیاد نوشت و او را فرمان داد در پی مسلم باشد.<sup>۲</sup> هنگامی که ابن‌زیاد به کوفه وارد شد و بر مسند قدرت نشست با فراخوانی مردم به مسجد در بخشی از سخنانش گفت: یزید مرا فرمان داده است نسبت به افراد فرمان‌بردار نیکی کنم و بر سرکشان سخت گیرم.<sup>۳</sup> با مطیعان شما چون پدر مهربانم، اما تازیانه و شمشیرم بر ضد کسی است که دستورم را وانهد.<sup>۴</sup>

آن‌گاه در راستای عملی ساختن سخنان خود، بزرگان و سران کوفه را فرا خواند و ایشان را تهدید کرد:  
نام بیگانگان و افراد مشکوک در منطقه خود را برای من بنویسید. هر کس

۱. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۱؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۶.

۲. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۱.

۳. همان، ص ۲۳۲ - ۲۳۳؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۴.

۴. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۸ - ۳۵۹؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۴.

نام افراد را بنویسد از مسئولیت رهیده است و هر کس چنین نکند باید ضمانت دهد کسی از گروه او مخالفت ما نکند و هر کس ضمانت نکند خون و مالش بر ما حلال است.<sup>۱</sup>

اقدامات عبیدالله، شرایط شیعیان را در کوفه دگرگون ساخت. مسلم که شرایط را مساعد نمی‌دید و احتمال آشکار شدن محل اختفایش وجود داشت از سکونت‌گاه اولیه خود به منزل هانی بن عروه تغییر مکان داد. در بررسی‌ها مشخص گردید، تمامی گزارش‌های منابع تصریح دارند که در این جابه‌جایی، مسلم به خانه هانی تغییر منزل داده است.<sup>۲</sup>

### ۲-۳. اطلاعات برآمده از داده‌های کالبد شهری کوفه

بدان روی که ورود مسلم به کوفه، سکونت اولیه و سپس جابه‌جایی به منزل هانی در کالبد شهری کوفه صورت گرفته است، شناخت چیدمان شهری، آگاهی از محله‌های آن و چگونگی سازمان‌دهی قبایل در این محله‌ها می‌تواند ترسیم سکونت‌گاه قبایل را منطبق بر کالبد شهری کوفه در اختیار پژوهش‌گر قرار دهد. آن‌گاه این ترسیم نقشه، یاری‌گر محقق در تصویرسازی چگونگی ورود و جابه‌جایی منزل مسلم خواهد بود.

کوفه شهری در عراق است که بر کرانه غربی رود فرات واقع گردیده است.<sup>۳</sup> برخی روایات نشان می‌دهند که کوفه قدمتی کهن دارد و وجود برخی آثار از سابقه دیرین این شهر سخن می‌گویند<sup>۴</sup>، اما کوفه در دوران اسلامی، بنیانی عربی-اسلامی دارد؛ زیرا

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۹؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۴-۴۵.

۲. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۳؛ بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۳۶؛ برای

اطلاع بیشتر، ر.ک: جمعی از نویسندگان، تاریخ امام حسین علیه السلام، ج ۱، ص ۵۴۰-۵۴۸.

۳. ابوالفداء، تقویم البلدان، ص ۵۶.

۴. حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۹۰-۲۹۲.

شکل‌یابی آن در ارتباط با لشکریان سعد بن ابی‌وقاص (د. ۵۵ ق) به جهت امر فتوحات بوده است.<sup>۱</sup>

در مسئله چیدمان شهری کوفه تا قبل از واقعه کربلا باید گفت که کالبد شهری کوفه در دو بازه زمانی خلافت عمر بن خطاب (د. ۲۳ ق) در سال‌های ۱۷ تا ۲۳ ق و حکومت زیاد بن ابیه (د. ۵۳ ق) بر کوفه در سال‌های ۵۰ تا ۵۳ ق ساختار اصلی خود را یافته بود. در آغاز با رسیدن سپاهیان مسلمان به کوفه در سال ۱۷ ق<sup>۲</sup> مسجدی در میانه منطقه بر پا شد و سپس لشکریان در اطراف مسجد در چادرهای خویش سکنا گزیدند. بعدها به سبب آتش‌سوزی و با کسب تکلیف از خلیفه، خانه‌هایی از خشت بنا گردید. این بار پس از تعیین حدود مسجد و قرار دادن میدان‌گاهی در کنار آن و ساختن خانه‌ای برای سعد بن ابی‌وقاص در نزدیکی مسجد که حکم دارالاماره کوفه را یافت، زمین‌های اطراف به دستور عمر در میان قبایل تقسیم گردید.<sup>۳</sup> در حالی که بلاذری<sup>۴</sup> و یاقوت (د. ۶۲۷ ق)<sup>۵</sup> تنها به معرفی کلی این تقسیم‌بندی بسنده می‌کنند، طبری درباره ترسیم کالبد شهری جدید کوفه به تفصیل می‌نویسد:

پشت صحن مسجد پنج معبر، طرف قبله چهار معبر، سمت مشرق سه معبر و در سمت مغرب سه معبر در نظر گرفته شد. آن‌گاه قبیله سُلَیم و ثَقِیف را پشت صحن کنار دو معبر بزرگ جای دادند و همدان، بَجِیلَه و تَیم و تَغَلِب هر کدام در کنار معبری اسکان یافتند. در جهت قبله صحن، بنی‌أسد نزدیک معبر جای

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷۱؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۰ - ۴۱.

۲. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۲؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: رجیبی، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلام، ص ۹۸ - ۱۰۰.

۳. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۴.

۴. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷۱.

۵. حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۱.

گرفتند، میان بنی‌اسد و نَخَع نیز معبری بود، میان نخع و کِنَسده نیز معبری بود، میان کنده و اُزد نیز معبری بود. در مشرق صحن انصار و مُزینَه را بر یک معبر جای دادند و طایفه تَمیم و مُحارب را بر یک معبر و اسد و عامر را بر معبری دیگر سکنا دادند. در مغرب صحن بَجاله و بَجیله را بر یک معبر نهادند و جَدیله و گروهی متفرق را بر یک معبر و جُهینَه و گروه متفرق دیگری را بر یک معبر دیگر قرار دادند. اینان مجاوران صحن بودند و مردم دیگر در میان آنها و ماورای آنها بودند. جاها به ترتیب سهم تقسیم شد. این معبرهای بزرگ بود و معبرهای دیگر مقابل آن ساختند که به این معبرها می‌رسید و معبرهای دیگر که موازی آن بود و وسعت کمتر داشت و محل آن پست‌تر بود. محله‌ها ما بین معبرها بود. این معبرها را بیرون صحن پدید آوردند و جنگاوران قادسیه و پیش از قادسیه را به ده گروه در آن جا دادند.<sup>۱</sup>

اختصاص مکان به قبایل برای سکونت، بنیان نقشه کالبد شهری کوفه را ترسیم کرد و با آن که در دوره‌های بعد، چیدمان قبایل از نظر گروه‌بندی تغییر یافت، اما سخنی از تغییر و جابه‌جایی سکونت‌گاه در میان نبود و منزل‌گاه‌های قبایل بر اساس اختصاص زمین اولیه بوده است.

این تقسیم بندی ده‌گانه باقی بود تا این که در همان عصر حکومت سعد بر کوفه، افراد بعضی گروه‌های ده‌گانه از گروه‌های دیگر بیشتر شدند و سعد درباره تنظیم آنها به عمر نامه نوشت و عمر اجازه تنظیم داد. در این مرتبه، تقسیم‌بندی از ده گروه به هفت گروه تغییر یافت. طبری درباره چیدمان گروه‌های هفت‌گانه می‌نویسد:

سعد گروهی از نسب‌شناسان و صاحب‌نظران و خردمندان عرب را پیش

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۴-۴۵.

خواند که گروه‌ها را به ترتیب هفت تنظیم کردند. در این تقسیم‌بندی گنانه و وابستگانش از حبشیان و دیگر کسان و جدیله که تیره‌ای از بنی‌عمرو بن قیس عیلان بودند یک گروه شدند. قبیله قضاغه به همراه تیره غسان بن شام که از آنها بود با بجیله، خثعم، کنده، حضرموت و آزد گروهی دیگر شدند. مذحج، حمیر، همدان و وابستگان ایشان، گروه دیگری را شکل دادند. تمیم، رباب و هوازن یک گروه شدند. طایفه اسد، غطفان، محارب، نمر، ضبیعه و تغلب در گروه دیگری قرار گرفتند و سرانجام ایاد، عک، عبدالقیس و مردم هجر و عجمان گروهی دیگر شدند.<sup>۲</sup>

طبری درباره گروه‌های هفت‌گانه سخن می‌گوید اما در عمل، تنها از قبایل شش گروه یاد کرده است. به نظر لویی ماسینیون (۱۹۶۲ ق)<sup>۳</sup> گروه هفتم را قبیله طیء تشکیل می‌داده است.<sup>۴</sup> این نظام هفت‌گانه در ایام خلافت عمر، عثمان (د. ۳۵ ق) و امام علی (ع. د. ۴۰ ق) باقی بود تا آن که در روزگار معاویه (۴۱-۶۰ ق) به وسیله زیاد بن ابیه به تقسیم‌بندی چهارگانه تغییر یافت.

تنها تغییر در این نظام هفت‌گانه، جابه‌جایی در چینش قبایل به وسیله امام علی (ع. د. ۴۰ ق) در هنگام حضور در عراق بوده است. امام علی (ع. د. ۴۰ ق) همدان و حمیر را در یک گروه، مذحج، اشعر و طیء را در گروهی دیگر، قیس و عبدالقیس را یک گروه، کنده، حضرموت، قضاغه و مهره را با هم، آزد، بجیله و خثعم و انصار را در یک گروه، بکر، تغلب و سایر بطون ربیعه

۱. اینان جنگ جویان ایرانی بودند که پس از نبرد قادسیه، تسلیم مسلمانان شدند و در کوفه سکنا گزیدند. ایشان را حمرا دیلم می‌خواندند (بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷۵).

۲. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۸.

۳. شرق شناس و اسلام شناس فرانسوی است.

۴. ماسینیون، جغرافیای تاریخی کوفه، ص ۱۷.

را در یک گروه و سرانجام قریش، کنانه، اسد، تمیم، ضبّه و رباب را در گروهی دیگر تقسیم‌بندی نمود.<sup>۱</sup>

البته برخی منابع در جای‌گیری چند قبیله، سخنی دیگر می‌گویند<sup>۲</sup>، اما در این‌که در عصر حکومت امام علی (علیه السلام) بر عراق در چیدمان قبایل در هفت گروه، تغییراتی حاصل آمده است با یکدیگر هم‌داستان هستند.

در روزگار حکومت زیاد بن ابیه بر کوفه، چیدمان هفت‌گانه به نظام چهارگانه تغییر یافت.<sup>۳</sup> منبعی از کالبد شهری کوفه در این عصر سخن نگفته است، اما در ماجرای شهادت طلبی بر رفتارهای حجر بن عدی (د. ۵۱ ق)، بلاذری و طبری از رؤسای گروه‌های چهارگانه و قبایل زیر مجموعه آنها یاد می‌کنند که مشخص می‌شود، زیاد قبایل مدینه را در کنار هم، تمیم و همدان را با یکدیگر، ربیع و کنده را در یک گروه و مذحج و اسد را در گروه دیگر جای داده بود.<sup>۴</sup> کاربری این گروه‌بندی‌ها در راستای امور اجتماعی، سیاسی، تنظیمات نظامی و امور اقتصادی قابل رصد است.

بر اساس این داده‌ها، خانه مختار به آن جهت که وی از ثقیان است در محله ثقیف در پشت مسجد کوفه مکان یابی می‌گردد. منزل هانی بدان روی که وی در شمار مذحجیان است در جلو مسجد از جهت قبله، جای‌نمایی می‌گردد. سکونت‌گاه ابن‌عوسجه که در ردیف بنی‌اسد بوده است در جلو مسجد و با فاصله معبری از محله مذحجیان موقعیت یابی می‌شود.

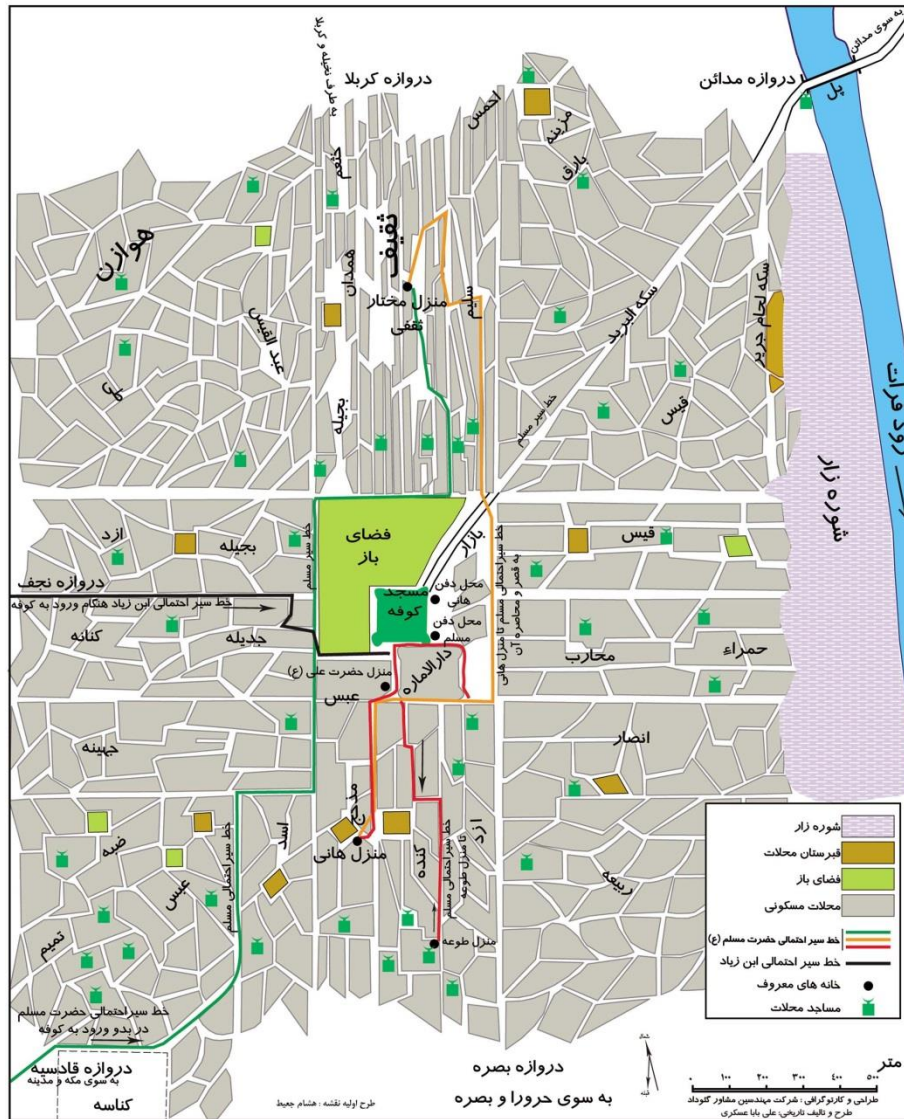
۱. بلاذری، کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۲ - ۳۳۲۳۶؛ دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۴۶؛ منقری، وقعة الصفین، ص ۱۱۷ - ۱۱۸.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: ماسینیون، جغرافیای تاریخی کوفه، ص ۱۸.

۳. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۹.

۴. بلاذری، کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۶۳؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۲۶۸.

نقشه پایین ترسیمی از کالبد شهری کوفه و خط سیر احتمالی مسلم بن عقیل را بر اساس سکنا گزیدن اولیه در منزل مختار نشان می‌دهد.





### ۳-۳. بررسی و تطبیق گونه‌ها با داده‌های تاریخی و کالبد شهری

پس از بیان داده‌های تاریخی و کالبد شهری، تطبیق گونه‌های بیان شده درباره سکونت‌گاه مسلم با این داده‌ها در راستای دستیابی به رأی قابل پذیرش، قدم پایانی خواهد بود.

#### ۳-۳-۱. سکونت در منزل شریک بن اعور

این دسته از گزارش‌ها معتبر نیستند؛ زیرا در منابع، سخنی درباره منزل شریک در کوفه موجود نیست. شریک در شمار سران شیعه در بصره و ساکن آن شهر بوده است. وی به هنگام آمدن عبیدالله به کوفه در ردیف همراهان وی از بصره به کوفه می‌آید<sup>۱</sup> و به دلیل رفاقت و مراوده با هانی در ایام حضور در کوفه در منزل او سکنا می‌گیرد.<sup>۲</sup> گزارش‌هایی که به مریضی و درگذشت شریک در کوفه می‌پردازند، همگی بر آن هستند که شریک در ایام بیماری در منزل هانی بستری بوده است و در آن‌جا به سرای باقی شتافته است.<sup>۳</sup>

بدین روی، شریک را در کوفه، منزلی نبوده است و نه حتی در هنگام ورود مسلم در کوفه حاضر بوده است که مسلم بر وی وارد شود. البته، این احتمال وجود دارد که به دلیل هم‌زمانی حضور مسلم و شریک در خانه هانی و طراحی کشتن عبیدالله به وسیله شریک<sup>۴</sup>،

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱۰، ص ۴۶۰؛ بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۳۵؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۲؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۸؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۳.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱۰، ص ۴۶۰؛ بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۳۷؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۴؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۶۰.

۳. بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۳۷؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۴ - ۲۳۵؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۵۸.

۴. بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۳۷؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۴.

سکونت مسلم در خانه شریک طرح شده باشد. چنانچه ابن کثیر در گزارشی در این باره می‌نویسد:

مسلم ابتدا از سکونت‌گاه اولیه خود به منزل هانی تغییر مکان داد سپس به

منزل شریک بن اعور رفت.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۳. سکونت در منزل هانی

در مورد این گروه از گزارش‌ها که حکایت‌گر منزل گرفتن مسلم در نزد هانی در ابتدای ورود به کوفه هستند، باید درنگ نمود. چنانچه گذشت در مسئله جابه‌جایی سکونت‌گاه مسلم، منابع بر این سخن اتفاق دارند که مسلم از منزل‌گاه اول به خانه هانی تغییر مکان داده است و از آنجا که گزارش‌های مرتبط با دست‌گیری هانی تأییدی بر این جابه‌جایی هستند، بنابر این، پذیرش حضور ابتدایی مسلم در منزل هانی به دلیل عدم هم‌خوانی با دیگر داده‌های تاریخی پذیرفتنی نیست.

نکته دیگر آن که نامی از هانی در هنگام گزارش نامه‌های کوفیان به امام حسین علیه السلام و حوادث مرتبط با ورود مسلم به کوفه در میان نیست. پس چگونه می‌شود مسلم در ابتدا به منزل فردی وارد شود که در ظاهر، تمایلی برای حضور وی در همراهی با مسلم نیست. به ویژه آن‌که در گزارش‌های مرتبط با ورود مسلم به منزل هانی پس از بر مسند قدرت نشستن عبیدالله و همچنین گفت‌وگوهای هانی و ابن‌زیاد بر سر مسئله تحویل دادن مسلم، نشانی از دعوت مشاهده نمی‌گردد. منابع درباره مسئله سکونت مسلم در خانه هانی گزارش می‌کنند:

چون مسلم به نزد هانی رفت و از او درخواست کرد تا در نزد او پناه

گیرد. هانی گفت: با این کار مرا به دشواری انداختی و اگر وارد خانه‌ام

نشده بودی دوست می‌داشتم که از من منصرف شوی ولی اکنون باید از

۱. ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۸، ص ۱۵۳.

عهدہ این کار برآیم.<sup>۱</sup>

در رویارویی با ابن زیاد، وقتی او هانی را به دلیل پناه دادن مسلم شمامت کرد. هانی پاسخ داد که وی از مسلم دعوتی برای حضور در منزل خویش نداشته است و مسلم به وی پناه آورده است.<sup>۲</sup> در این میان، تک گزارشی از ابن سعد بر آن است که امام حسین علیه السلام، مسلم را به سکونت در منزل هانی سفارش کرده بود.<sup>۳</sup> این نقل، افزون بر تک گزارش بودن از بعد دیگری قابل نقد است و آن این است که با توجه به شخصیت مسلم چگونه است که وی در ابتدای ورود به سفارش امام، پای بند نبوده است و وارد منزل دیگری شده است؟

با توجه به مطالب یاد شده، ورود ابتدایی مسلم به خانه هانی پذیرفتنی نیست. البته می توان ادعا کرد که به دلیل جابه جایی مسلم به منزل هانی، این گزارشها فارغ از منزل-گاه اول، این مطلب را بیان کرده اند.

## ۳-۳-۳. سکونت در منزل مختار

در منابع، بیشتر مشاهده می شود که مسلم در منزل مختار سکونت کرده بود. در حالی که این گونه از گزارشها با اطلاعات برآمده از داده های تاریخی و داده های کالبد شهری کوفه، تناسب و هماهنگی لازم را ندارند. نخستین مطلبی که بیان گردید رعایت احتیاط و پنهان کاری اصلی بود که بر آمده از داده های تاریخی حضور مسلم در کوفه است، اما حضور مسلم در منزل مختار و رفت و آمدهای شیعیان به سبب پیوند دامادی مختار با

۱. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۳؛ بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۳۶؛ طبری،

تاریخ الامم و الملوك، ج ۵، ص ۳۶۲.

۲. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۳۷؛ بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۳۷؛ طبری

تاریخ الامم و الملوك، ج ۵، ص ۳۶۶.

۳. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱۰، ص ۴۵۸.

نعمان بن بشیر، حاکم کوفه می‌توانست خطر احتمالی آشکار شدن برنامه‌های شیعیان را تقویت کند.

افزون بر این در خانه مختار، ام‌ثابت دختر سمره بن جندب و عمره دختر نعمان بن بشیر که همسران مختار بودند، حضور داشتند و پدر هر دو از کارگزاران و والیان دستگاه خلافت اموی بودند. سمره در روزگار حکومت زیاد بر کوفه و بصره از جانب معاویه، جانشین وی در بصره بود<sup>۱</sup> و نعمان در زمان حضور مسلم در سال ۶۰ ق، حاکم کوفه بود. به خصوص آن‌که اگر همراهی عمره با اندیشه‌های مختار پذیرفته شود، ام‌ثابت در اندیشه با مختار همسو نبوده است؛ زیرا در گزارش‌ها آمده است که پس از کشته شدن مختار، مصعب بن زبیر (د. ۷۲ ق) همسران مختار را فراخواند و از ایشان تقاضا کرد از مختار براءت جویند. عمره براءت نجست و مختار را بنده‌ای صالح از بندگان خدا خواند و سرانجام کشته شد، اما ام‌ثابت با بیان این‌که نظر من در مورد مختار همان است که شما در موردش می‌گویید، خود را از مهلکه رهانید.<sup>۲</sup>

هم‌چنین، حضور در منزل مختار با توجه به موقعیت مکانی بر آمده از ترسیم کالبد شهری کوفه، نه تنها رعایت اصل پنهان‌کاری را از جانب مسلم به چالش می‌کشد، بلکه احتمال شناخته شدن و دست‌گیری او را در مرحله جابه‌جایی سکونت‌گاه افزون می‌سازد. بر اساس داده‌های کالبد شهری سکونت‌گاه ثقفیان که مختار در شمار ایشان بوده است در جهت خلاف با قبله در پشت مسجد کوفه واقع بوده است. این در حالی است که مسیر ورود از مکه و مدینه به کوفه به جهت جانب قبله بودن آن در تقابل کامل با محله سکونت مختار بوده است.

۱. همان، ج ۶، ص ۱۰۹.

۲. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۳۰۹؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۱۱۲.

بر این اساس، مسلم در ابتدای ورود به کوفه باید در نیمی از شهر حرکت می‌کرد تا به منزل مختار درآید که این امر می‌توانست، احتمال شناخته شدن وی را به همراه داشته باشد. هم‌چنین به هنگام جابه‌جایی به دلیل قرار داشتن محله مذحجیان در جانب قبله مسجد کوفه، مسلم جهت حضور در منزل هانی که بزرگ مذحجیان بود، دوباره باید نیمی از شهر را می‌پیمود تا به این محله در آید.

به ویژه آن‌که در این مرحله با توجه به حضور عبیدالله و تلاش برای دست‌گیری مسلم، پیمودن مسیری طولانی در شهر، خطر دست‌گیری مسلم را افزایش می‌داد. این مسئله‌ای بود که در آغاز قیام مختار مشاهده شد؛ زیرا ابراهیم بن مالک اشتر که در شمار نخعیان مذحج بود برای پیوستن به مختار باید همراه مردان تحت امر خود، فاصله سکونت‌گاه مذحجیان تا منزل مختار در محله ثقیف را می‌پیمود و در این مسیر در کمین شرطه‌های حکومت گرفتار شد. این ماجرا سبب گردید مختار از برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده، یک شب زودتر اعلام قیام نماید.<sup>۱</sup>

ماجرای دیگری که می‌تواند در راستای تحلیل مسئله به کار آید، نقش مختار در همراهی با مسلم و روش رویارویی عبیدالله بن زیاد با مختار است. داده‌های منابع در ارتباط با حضور مختار در حرکت مسلم، تأیید کننده یکدیگر نیستند. از سویی آمده است که مختار به هنگام حرکت مسلم با بیرقی سبز در کنار مسلم بود و تلاش می‌کرد مانع حرکت و اقدام عمرو بن حریث، رئیس شرطه‌های کوفه شود. بنابراین، پس از سرکوبی حرکت مسلم، عبیدالله با مقرر کردن پاداش برای دست‌گیری مختار فرمان داد تا در پی او برآیند و سرانجام او را به زندان افکند.<sup>۲</sup>

۱. همان، ج ۶، ص ۱۸ - ۲۰.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۸۱.

از سوی دیگر، سخن از آن است که چون خبر حرکت مسلم به مختار رسید، مختار بیرون کوفه بود و زمانی که با پیروان خود، پس از مغرب به کوفه درآمد به این سبب که یاران مسلم پراکنده شده بودند با پیشنهاد امان عمرو بن حریث و شفاعت او در نزد عبیدالله به زیر پرچم او درآمد. منابع درباره ادامه ماجرا می نویسند:

صبح هنگام مختار را به نزد عبیدالله بردند. عبیدالله او را گفت: آمده بودی مسلم را یاری رسانی؟ مختار در پاسخ گفت: من چنین نکردم و دیشب را زیر پرچم عمرو بن حریث به صبح رسانیدم. عمرو بر صدق گفتار مختار شفاعت داد و عبیدالله با پذیرفتن شهادت عمرو پس از مضروب ساختن مختار دستور داد وی را به زندان افکنند.<sup>۱</sup>

این موارد در حالی است که بسنده کردن به زندانی ساختن مختار برخلاف شدت عملی است که از عبیدالله نسبت به یاری رسانیان مسلم گزارش شده است. در منابع آمده است که عبدالأعلی بن یزید و عمارة بن صلخب که تنها قصد پیوستن به مسلم را داشتند دست گیر و کشته شدند.<sup>۲</sup> حتی اگر حضور مختار در کنار مسلم پذیرفته نگردد، چگونه می-توان پذیرفت که مختار در سکونت دادن به مسلم و جمع آوری نیرو نقش آفرین بوده است، اما عبیدالله به این دلیل که مختار فقط در درگیری دست به شمشیر نبرده است از وی بگذرد.

به دلیل عدم بیان نام راویان گزارش‌های گونه رفتن مسلم به خانه مختار، امکان بررسی نام و نشان راویان میسر نیست، اما به نظر می‌رسد گزارش‌های دینوری، طبری، شیخ مفید و ابن‌اعثم که از رفتن مسلم به خانه مختار سخن می‌گویند، همگی برآمده از نقلی واحد هستند؛ زیرا در تمام این گزارش‌ها راوی بیان می‌کند که مسلم به خانه مختار

۱. بلاذری، انساب‌الاشراف، ج ۶، ص ۳۷۶ - ۳۷۷؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۵۶۹ - ۵۷۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۷۰، ۳۷۹.

رفت. خانه‌ای که در زمان گزارش واقعه، منزل مسیب یا فرزند مسیب بوده است.<sup>۱</sup> در عمل، تمامی این گزارش‌ها این احتمال را فراروی می‌نهند که به نقلی واحد باز می‌گردند و این مسئله می‌تواند اعتبار آن را بیشتر به چالش بکشاند.

### ۳-۳-۴. سکونت در منزل ابن عوسجة

این گونه از گزارش‌ها در برابر گزارش‌هایی که از حضور مسلم در منزل مختار سخن می‌گویند در منابع حضور کمتری دارند، اما باید دانست که نقل خبر در منابع دیرین نگاشت، مانند تاریخ طبری و مروج الذهب مسعودی و بازنگاری آن در منابع سده‌های پسین از جایگاه آن حکایت دارد. به گونه‌ای که نمی‌توان به راحتی از آن گذر کرد. به ویژه آن که اطلاعات داده‌های تاریخی و داده‌های کالبد شهری کوفه، همسانی بیشتری با این گونه از گزارش‌ها نسبت به گونه‌های دیگر دارند.

در مسئله همسانی و هم‌پوشانی داده‌ها باید گفت که حضور مسلم در منزل ابن-عوسجة با رعایت اصل احتیاط همسوتر است؛ زیرا این احتمال که منزل افرادی، مانند سلیمان بن سرد و مختار به دلیل جایگاه اجتماعی و سیاسی ایشان از جانب جاسوسان حکومت تحت نظر باشد، بیشتر بوده است.

هم‌چنین بر اساس داده‌های کالبد شهری کوفه، موقعیت منزل مسلم بن عوسجة که از قبیله بنی‌اسد بوده است به این دلیل که سکونت‌گاه اسدیان در جانب قبله مسجد و نزدیک به مسیر ورودی کوفه به طرف مکه و مدینه بوده است، نشان از آن می‌تواند داشته باشد که مسلم بن عقیل در سریع‌ترین زمان ممکن و کمترین فاصله پیموده شده در کوفه، به هنگام ورود به شهر از مسیر مکه به کوفه وارد منزل مسلم بن عوسجة شده است.

۱. در حالی که دینوری این منزل را از آن مسیب می‌داند. طبری آن را منزل مسلم بن مسیب، مفید آن را منزل سلم بن مسیب و ابن‌اعثم آن را منزل سالم بن مسیب می‌دانند.

در مسئله جابه‌جایی با توجه به پی‌گیری عبیدالله برای دست‌گیری مسلم و از آن‌جا که محله سکونت مذحجیان بر اساس داده‌های کالبد شهری در کنار منطقه بنی‌اسد قرار داشته است، انتخاب منزل هانی به وسیله مسلم، هوش‌مندی او را نشان می‌دهد؛ زیرا نه تنها به هنگام تغییر سکونت‌گاه به خانه هانی، این جابه‌جایی با سرعت و با کمترین فاصله پیموده شده انجام می‌پذیرفت، بلکه به دلیل جایگاه قبیله‌ای هانی در صورت کشف سکونت‌گاه مسلم، موضوع در پناه هانی بودن این امکان را فراهم می‌کرد که از توان نظامی مذحجیان در برابر عبیدالله بهره گرفته شود. نکته‌ای که هانی به هنگام رویارویی با تهدیدهای عبیدالله بر آن تأکید داشت که این‌زیاد با شمشیرهای مذحجیان روبه‌رو خواهد بود.<sup>۱</sup>

شایان توجه است، داده‌هایی که از نقش‌آفرینی مسلم بن عوسجه به عنوان فرد مسئول امور بیعت شیعیان با مسلم سخن می‌گویند<sup>۲</sup> در کنار گزارش عهده‌داری فرماندهی بخش مذحج و اسد در حرکت مسلم<sup>۳</sup> نشان‌دهنده اهمیت جایگاه ابن عوسجه و اعتماد مسلم بر او هستند. به گونه‌ای که این اعتماد مسلم را بر آن داشته بود در ابتدای ورود در منزل او ساکن شود.

تقویت گزارش‌های گونه‌سکنا گرفتن مسلم بن عقیل در نزد مسلم بن عوسجه می‌تواند افق‌های مطالعاتی و پژوهشی جدیدی را فراروی محققان قرار دهد. این که چرا با وجود نقش‌آفرینی بزرگانی از شیعه در شورآفرینی میان پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام در کوفه و زمینه‌سازی دعوت از امام حسین علیه‌السلام، مسلم به خانه ابن عوسجه می‌رود؟ دیگر آن که چرا گونه‌ای از گزارش‌ها که در شماره بر تعداد گزارش‌های دیگر گونه‌ها فزونی دارند بر آن

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۳۶۸.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۴۸ و ص ۳۶۲.

۳. همان.



هستند که مسلم به خانه مختار رفته است؟ آیا این امر می‌تواند برآمده از تلاش‌های پیروان مختار به جهت افزون ساختن نقش‌آفرینی وی در حوادث قیام کربلا یا پوششی بر برخی سستی‌ها تحلیل گردد؟ در آخر آن که سکونت در منزل ابن عوسجه در مناسبات شیعیان کوفه در امر یاری‌رسانی به امام حسین علیه السلام چه تأثیری داشته است؟

#### ۴. نتیجه

ابهام‌ها و شبهه‌های مطرح در مسئله سکونت اولیه مسلم بن عقیل در منزل مختار به گونه‌ای هستند که لزوم پژوهش در این موضوع را نشان می‌دهند. در استقرای اطلاعات منابع کهن مشخص گردید، داده‌های تاریخی در سکنا گرفتن مسلم بر چهار گونه سکونت در منزل مختار، هانی بن عروه، شریک بن اعور و مسلم بن عوسجه استوار هستند. در تطابق این گزارش‌ها با اطلاعات برآمده از داده‌های تاریخی و کالبد شهری کوفه، اخبار سکونت مسلم در منزل ابن عوسجه در هماهنگی بیشتری با داده‌های ساختار شهری کوفه و دیگر اخبار نهضت عاشورا است. بنابراین، با وجود شهرت سکونت مسلم بن عقیل در منزل مختار، سکونت او در منزل مسلم بن عوسجه قابل دفاع است.

## منابع

۱. ابن اعثم، احمد بن علی، الفتوح، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۱ق.
۲. ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان تمیمی، السیرة النبویة و اخبار الخلفاء، بیروت: الکتب الثقافية، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۵. ابن طاوس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان، ۱۳۴۸.
۶. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، البداية و النهاية، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۷. ابوالفداء، اسماعیل بن علی، تقویم البلدان، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة، ۲۰۰۷م.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، کتاب جمل من انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۹. \_\_\_\_\_، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸م.
۱۰. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم: انصاریان، ۱۳۸۱.
۱۱. جمعی از پژوهشگران، تاریخ امام حسین علیه السلام، تهران: دفتر انتشارات کمک آموزشی (وزارت آموزش و پرورش)، ۱۳۸۷.
۱۲. حسنی، هاشم معروف، جنبش های شیعی در تاریخ اسلام، مشهد: آستان قدس، ۱۳۷۹.
۱۳. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵م.
۱۴. دینوری، ابوحنیفه، الاخبار الطوال، قم: رضی، ۱۳۶۸.
۱۵. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۱۶. رجبی (دوانی)، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۸.
۱۷. سبط بن جوزی، تبیانه الخواص، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق.
۱۸. شجری، یحیی بن الحسین، الأمالی الخمیسیة، بیروت - قاهره: عالم الکتب - مکتبه المتنبی، بی تا.
۱۹. شهیدی، جعفر، قیام حسین علیه السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: کتابفروشی اسلام، ۱۳۹۰ق.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.

۲۲. قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۲۳. قائدان، اصغر، عتبات عالیات عراق، تهران: مشعر، ۱۳۸۳.
۲۴. ماسینیون، جغرافیای تاریخی کوفه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۲۵. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۲۶. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۷. منقری، نصرین مزاحم، وقعة صفین، قم: مکتبه آیه الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
۲۸. هدایت پناه، محمدرضا، بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.

